

اعلمی فریمان، هادی - آیا اصول گرایان می توانند با بهره گیری از درس های گذشته و نصیحت ناصحان روزگار و نگاه به جامعه ی پیش رو و مردمان خوب زمانه ی ما، زایمان دردناک نوسازی را بپذیرند؟

یک بار در سال 1377 زمانی که همکار مرکز پژوهش های مجلس بودم به یکی از آقایان اصول گرا گفتم که باید خود را متناسب با شرایط و تحولات جدید بازسازی کنید. البته دلایلی آورد و معلوم بود که نمی شود. حالا باز هم پس از 15 سال با قاطعیت بیشتری می توان اذعان نمود که اصول گرایان نیازمند یک بازسازی درونی اند. اگر از یک تمثیل ارگانیکی استفاده و جریانهای سیاسی را به مثابه موجودی زنده تلقی کنیم آنگاه می توان با وضوح بیشتری ضرورت ترمیم و خودتوان بخشی جریان سیاسی اصولگرا را توضیح داد.

این جریان از یکسو نیازمند درک عمیق تحولات است و از سوی دیگر نیازمند تفسیر دقیقی از شرایط خود و جریان های سیاسی رقیب در جامعه. پویایی اصولگرایی مستلزم برنامه ها و ایده های جدید بوده و اصول گرایان باید به عنوان بازیگری اصلی در این مسیر گام بردارند. اصول گرایان ناچار باید به خود تحرک داده و روح جمعی پویایی را در درون این جریان (با تمام دشواریهای احتمالی آن) تقویت کنند. زمانی که رهبری انقلاب از جوان سازی نظام سیاسی سخن گفتند، این جوان سازی در سطحی خردتر در مورد جریان سیاسی اصولگرا نیز ضرورت و اولویت دارد. بحثی حیاتی که انجام آن نیاز به تحولی ساختاری در نگرش ها و رفتارهای کنونی طیف های مختلف اصولگرا دارد. بدیهی است هرگونه جوان سازی با مقاومت های درونی در برخی از بخش ها همراه باشد. لذا انتظار می رود ابتدا اصول گرایان این بحث را موشکافی کرده و در آن دقیق شوند. همه احزاب و جریان های سیاسی و بویژه جریان کلان اصول گرایی باید با آینده نگری پیشروتر از حرکت ملت برنامه ای اساسی برای اداره ی کشور را طراحی و پی ریزی کنند. برنامه ریزی برای جریان های سیاسی امری مقطعی و موقت در تاریخ حیات سیاسی آنها نیست، بلکه امری دائم و همیشگی با نگاه به واقعیت ها و ضرورت هاست. در این فضا زمانی که بین نخبگان سیاسی جدل به جای مناظره بنشینند، از درون منازعه، منازعه بیرون می آید و این منازعه بر رادیکالیزه شدن فضا می افزاینده بر مشکلات نظام افزوده می شود و بخش از این فرایند به دلیل این است که جریان های سیاسی نگاه سیستمی اندامواره به نظام سیاسی برای پویا کردن آن نداشته و در فضای انفعالی و متناسب با بروز وقایع حرکت می کنند.

بدیهی است انتظارات فزاینده در جامعه ای که دوقطبی می شود به سرعت باعث مناقشات سیاسی داخلی می گردد. اگر اصلاحی قرار است صورت بپذیرد باید همه ی ملت با اجماع آراء اصلاح کنند، نمی توان با ایجاد شکاف در جامعه بخشی از مردم را توسعه یافته و دمکراتیک دانست و بخشی را توسعه نیافته و عقب مانده تلقی کرد، همین وضعیت در اصول گرایی هم حاکم است، اما هنر نخبگان سیاسی در نهایت باید در این اصل تجلی یابد که همه یکدیگر را تحمل کنند و وجهی اخلاقی به گفتمان و رفتار سیاسی خود ببخشند. نباید مدام ادبیات مبتنی بر نفرت را اشاعه دهند، گاهی رفتارهای نامناسب و خلاف اخلاق سیاسی آن قدر گسترش می یابد که فراموش می کنیم همه ایرانی، مسلمان و با سابقه ی فرهنگ و ادب دیرینیم. هنر نسخه نویسی توسعه و اصلاح در پیچیدگی آن است که همگان توافق عام و یا ائتلاف بر امر توسعه داشته باشند (و در تجربه بعضی جاها مثل ژاپن یا چین حکمران توانسته ریلی آماده و منظم برای قطار توسعه ایجاد کند). امری که در نزد گروه های سیاسی با یکجانبه گرایی مغفول می ماند. اصول گرایان نسلی قدیمی با پشتوانه ی پیشین مبارزاتی (منظور این نیست که اصلاح طلبان قدیمی نیستند و یا سابقه نداشته اند، اصول گرایان باید بتوانند با بهره گیری از تجربیات گذشته و جامعه ی رو به مدرن ایران برای ادامه ی حضور تجدید حیات کنند. این تجدید حیات باید با پشتوانه ی نیروهای فکری و اندیشمندان داخلی و با نگاه به نسل آینده ی کشور با یک سلسله نشست ها و مناظرات درون گروهی

و با تفکر تغییر و ترمیم و دیدگاه های باز انجام شود. اگر عقلایی اندیشه کنیم همه ی ما مشکلات درونی در عرصه ی فرهنگ، سیاست، هنر و اندیشه و به ویژه اقتصاد و معیشت مردم و مطالبات متعدد آن ها در همه ی حوزه ها را می دانیم. اگر اصول گرایان به دنبال کسب موقعیتی در انتخابات ریاست جمهوری برای خدمت بهتر به ملت هستند باید تغییراتی در برخی نگرشها و رفتارهای کنونی خود ایجاد کنند. و رویه ها و گفتمان های کهنه و بی حاصل را رها کنند و حول شعارهای اولیه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی جمع شده و همه ی این ها را با هم ببینند و با گردش نخبگان جدید فکری شرایط حاضر را تفسیر کنند. این تجدید ساختار اصول گرایی اگرچه سخت اما متناسب و مناسب خواهد بود. در این فضا نقادان نقادی می کنند و معمولاً بی هیچ نتیجه ای، باز تحولی در ساختار گروه های سیاسی دیده نمی شود. اما بهترین نسخه ای که عنوان دستور کار اصول گرایان می توان ارائه داد اندیشه درباره ی یک ترکیب به جای تجزیه و جدایی است. ترکیبی پیوندیافته از پیروی از اخلاق پیامبر (حفظ دینداری دین داران) با برداشتی رحمانی، پیروی از عدالت امام علی (اجماعی عالم برای همه ی ملت ایران که سراسر عدالت خواهانه و دمکراتیک است)، برنامه ی مدل حکومت داری خوب (برای اداره ی کشور با معیارهایی واقعگرایانه و در عین حال اخلاقی). منشور و دستور اصول گرایان نامه ی امام به مالک اشتر باید باشد. آنجا که می فرماید "باید که میانه روی در حق و گسترش عدالت و عمل به آنچه بیش از هر چیز مایه دلخوشی مردم است در نظر تو دوست داشتنی ترین کارها باشد"

جامعه ی آینده ی ایران پرشتاب و سیال به سوی مقصد خود می رود، و اصول گرایان باید با برنامه متناسب با نسل پیشرو و جوان قادر باشند بهبود شرایط اقتصادی و زیست شادمانه برای مردم را مورد توجه خود قرار دهند. اصول گرایان با توجه به مفاهیم نظری مذکور باید با جذب حداکثری نخبگان فکری و پرهیز از خودخواهی های فردی و شخصی با نگاه به توسعه ی ایران بتوانند کمیسیون هایی تحت عنوان سیاست خارجی، داخلی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و بهداشت و درمان تشکیل دهند و بتوانند از درون مناظرات گروهی برنامه ی قابل قبول و منسجمی برای اداره ی کشور ارائه دهند. گاهی لازم است با فدا کردن نفسانیات به آرمان به پیشرفت رسیدن کشور فکر کرد، در غیر این صورت وضعیتشان همین انفعالی است که هست. لذا آیا اصول گرایان می توانند با بهره گیری از درس های گذشته و نصیحت ناصحان روزگار و نگاه به جامعه ی پیش رو و مردمان خوب زمانه ی ما، زایمان دردناک نوسازی را بپذیرند؟

کلیدواژه ها: انتخابات ریاست جمهوری یازدهم - رقابت انتخاباتی - اصولگرایان - هادی اعلمی